

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال هفدهم، شماره چهارم

زمستان ۱۳۹۵، شماره مسلسل ۶۸

ساختار و گونه‌های نهادهای علمی و آموزشی افریقیه در عصر

بنوحفص (۶۲۵-۹۴۱ق)

تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۱/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۳۰

عباس برومند اعلم*

انتظار علوی پور**

بنوحفص (۶۲۵-۹۴۱ق) که ابتدا به عنوان والی دولت موحدین (۵۱۵-۶۶۸ق) بر تونس فرمان می‌راندند با زوال موحدین، اعلام استقلال کردند و ابوزکریای اول (۶۲۵-۶۴۷ق) با انتخاب شهر تونس به عنوان پایتخت افریقیه، اداره امور این سرزمین را به دست گرفت. در این زمان، حمله مغول در شرق، ادامه جنگ‌های صلیبی در مصر و شام، سقوط تدریجی اندلس به دنبال نبرد عقاب (۶۰۹ق) و آشفستگی مغرب اقصی در آستانه استیلای بنی مرین (۶۱۴-۱۶۷۹ق) باعث کندی حرکت علمی و رکود مراکز و نهادهای آموزشی

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه بین المللی امام خمینی؛ aboroomanda@yahoo.com

** کارشناس ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه بین المللی امام خمینی؛

entezar65alavi@yahoo.com

جهان اسلام شده بود. استقرار دولت بنوحفص و تأمین امنیت منطقه تونس و حمایت امرای بنوحفص و اختصاص اوقاف، زمینه‌ساز مهاجرت دانشمندان از اندلس و سایر نقاط جهان اسلام به افریقه شد که گسترش علوم و معارف اسلامی، راه‌اندازی کتابخانه‌های غنی، تأسیس نهادهای آموزشی و بالندگی جامع زیتونه و مدرسه شماعیه را به دنبال داشت. این نوشتار گذشته از ارائه گزارشی تاریخی در این باره، به اصول و مبانی آموزش حفصیان با تکیه بر مذهب مالکی، رویکردهای علمی - آموزشی در قلمرو حفصیان و گونه‌شناسی مراکز علمی و آموزشی تأسیس شده در قلمرو حکومتی آنها می‌پردازد.

کلیدواژگان: افریقه، حفصیان، ابوزکریای اول، تونس، نهاد آموزش.

مقدمه

حفصیان (۶۲۵-۹۴۱ق) که خود را وارث خلافت موحدین (۵۱۵-۶۶۸ق) می‌دانستند، رشته امور در افریقه^۱ را به دست گرفتند و از سال ۶۰۳ تا سال ۹۸۱ق، یعنی ۳۷۸ سال، بر افریقه فرمان راندند. در این دوره طولانی، ۲۷ امیر حکومت کردند که از معروف‌ترین ایشان می‌توان به ابوزکریای اول (۶۲۵-۶۴۷ق)، ابوعبدالله محمد المستنصر (۶۴۷-۶۷۵ق)، سلطان ابوفارس عبدالعزیز (۷۹۶-۸۳۷ق) و ابوعمر عثمان (۸۳۹-۸۹۳ق) اشاره کرد. در دوره طولانی حکومت آنان، افریقه شاهد تحولات چشم‌گیری در همه عرصه‌های تمدنی و فرهنگی بود. شهر تونس به چنان شهرت و اعتباری دست یافت که فاس و مراکش را تحت الشعاع قرار داد. با آغاز ضعف موحدین و ظهور مرینیان (۶۱۴-۸۶۹ق) در مغرب اقصی، امیر ابوزکریا یحیی بن عبدالواحد حفصی در سال ۶۲۵ق. با اعلام استقلال از مغرب، دولت حفصیان را در شهر تونس بنیان گذاشت و با پیروزی بر ابن غانیه (۵۲۴-۶۰۱ق) و قتل او در سال ۶۳۱ق، تونس را به مرکز قدرتی در میان دولت‌های

مجاور بدل کرد. اوج درخشش تونس در همه زمینه‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی، هنر و معماری، در زمان دولت حفصیان به دست آمد.

در برخی عرصه‌های علمی در افریقاییه دوره حفصی، چهره‌های شاخصی همچون قلصادی (م ۸۹۱ق)^۲ در علم حساب، ابن سبعین (م ۶۶۹ق)^۳ در فلسفه و عرفان و ابن خلدون (م ۸۰۸ق) در تاریخ به چشم می‌خورند. حضور این چهره‌های معروف، به توسعه نهضت مدرسه‌سازی نیز کمک کرد. سلاطین و امرای بنی حفص نیز پیوسته از دانشمندان حمایت کرده، اهل علم را اکرام می‌کردند؛ از این رو نخستین مدارس اسلامی در غرب اسلامی، به شکل مدارس نظامیه در شرق، در دوره حفصی ایجاد شد. برای نمونه، مدرسه شماعیه از معروف‌ترین مدارس حفصی بود که در سال ۶۴۷ق. بنا شد و همچنین جامع زیتونه در سه قرن (هفت، هشت و نه) پرچم‌دار فرهنگ و تمدن اسلامی در مغرب بود. بنابراین حفصیان توانستند در این بخش از جهان اسلام، آرامش نسبی را حفظ کنند و باعث پیشرفت علوم اسلامی و مراکز علمی در این منطقه شوند. این نوشتار می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که سیاست‌های علمی - آموزشی دولت بنی حفص چه اثری در رشد و گسترش آموزش و توسعه علمی افریقاییه در قرون هفت تا ده هجری داشته است؟ فرضیه مقاله این است که سیاست‌های علمی دولت بنی حفص (از جمله جنبش مدرسه‌سازی، غنی‌سازی و بسط کتاب‌خانه‌ها و اختصاص دادن اوقاف به امر آموزش) عامل اصلی گسترش مراکز آموزشی و توسعه علمی در این دوره بوده است.

مهم‌ترین مراکز علمی افریقاییه در دوره بنی حفص

حملات وحشیانه مغول و سقوط خلافت عباسی در شرق جهان اسلام^۴ و جنگ عقاب (۶۰۹ق)^۵ و افزایش فشارهای مسیحیان بعد از ضعف موحدین در اندلس در غرب جهان اسلام و درگیری‌های مداوم صلیبیان در شام و مصر^۶ باعث شد تا رجال فکری از روی ناچاری موطن خویش را ترک کنند و به مکان‌های مختلفی از جمله سبته، فاس، تلمسان و به ویژه تونس رو آورند. مغرب اسلامی در این دوره دچار تجزیه شده بود. به همین

خاطر، ادبا، شعرا و دانشمندان به تونس، جایی که حفصیان آن را به مأمی برای آنان تبدیل کرده بودند، منتقل شدند.^۷ تونس برای نخستین بار، در عصر بنی حفص به عنوان پایتخت افریقه انتخاب شد و اهمیت فرهنگی - علمی پیدا کرد. در این دوره، مراکز علمی فراوانی به دست امیران حفصی بنا شد. طبیعی بود که بنی حفص، که از پیروان موحدین بودند، برای نشر عقیده خود به تأسیس مراکز علمی و توسعه آن اهتمام داشته باشند.^۸ در روزگار ابوزکریا بنیان‌گذار دولت حفصی، شهر تونس فقط دو مدرسه داشت؛ اما جنبش مدرسه‌سازی به گونه‌ای فعال شد که این شهر، در خلال عصر حفصی، به شهر مدارس تبدیل گشت.^۹

توسعه جوامع و مدارس، شکوفایی جامع زیتونه، که محققان آن را الگوی آغازین دانشگاه‌های اروپایی دانسته‌اند^{۱۰} و بنای مراکز آموزشی - عبادی، زوایا و رباطها از مشخصه‌های بارز علمی این دوره است. مهم‌ترین مراکز علمی - آموزشی این دوره عبارتند از: کتاب، جوامع، مدارس، کتابخانه‌ها و زوایا.

مساجد و جوامع

از قرن دوم هجری در شمال آفریقا، آموزش در مساجد به صورت تشکیل حلقه‌ها صورت می‌گرفت که نقش مهمی در شکوفایی فرهنگ اسلامی ایفا کرده‌اند.^{۱۱} مهم‌ترین این جوامع، جامع زیتونه است که آوازه آن عالم‌گیر بوده و هست.

جامع زیتونه ابتدا به شکل یک خانه یا مکان تقریباً کوچک عبادی بود و به مرور زمان به یک جامع بزرگ برای انتقال علوم دینی و عربی تبدیل شد.^{۱۲} در دوره حفصیان جوامع متعدد و فراوانی در تونس ایجاد شد، اما جامع زیتونه از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار بود.^{۱۳}

این مسجد ابتدا در سال (۱۱۴ق) به دست حسان بن نعمان^{۱۴} بنا شد و در دوران اغلی،^{۱۵} به دست امیر اغلی، ابوبراهیم احمد بن محمد (۲۴۲-۲۴۹ق)، زینت داده شد. تا

این که بعدها زیاده الله دوم اغلبی در سال ۲۵۰ق. کار ساخت آن را به پایان رساند. این مسجد در دوران‌های بعدی مثل دوره فاطمی، زیری و موحدی^{۱۶} بازسازی و در دوران بنی حفص تکمیل شد^{۱۷} و به جایگاه بلندی در عرصه تعلیم و تربیت اسلامی دست یافت و در ردیف مهم‌ترین و قدیمی‌ترین جوامع و دانشگاه‌های جهان اسلام قرار گرفت.^{۱۸} ابن بطوطه از جامع زیتونه به عنوان مرکز تعلیم و صدور فتاوی شرعی یاد کرده است.^{۱۹} همچنین مستنصر حفصی نخستین خلیفه‌ای بود که تحول عظیمی در عرصه ساختمان و محیط داخلی و حوزه آموزش این مسجد جامع ایجاد کرد.^{۲۰} علمی مانند لغت، تاریخ، فقه، حدیث و تفسیر در این جامع معروف (زیتونه) تدریس،^{۲۱} و حلقه‌های مختلفی برای کلاس‌های درسی^{۲۲} - و همچنین دوره‌های درسی که به آن «دول» یا «حلق» می‌گفتند - تشکیل می‌شد.^{۲۳} در دوره بنوحفص تعداد شاگردان این جامع معروف به سه هزار دانشجو و طلبه می‌رسید، در حالی که جامع قرویین در فاس هزار دانشجو را بیشتر در بر نمی‌گرفت. علاوه بر این، زمان اقامت مجاز در بسیاری از مساجد جامع و از جمله زیتونه تا ۱۶ سال، و در برخی از شهرهای دیگر تا ۱۵ سال تعیین شده بود.^{۲۴} برخی از مدرسان و دانش‌آموختگان برجسته جامع زیتونه از این قرارند:

ابوعبدالله محمد بن عرفه (م ۷۳۶ق) دانشمند و فقیه افریقیه در اصول، فروع، نحو و حساب؛^{۲۵} ابن عبدالسلام الهواری (م ۷۵۰ق) از مدرسان جامع زیتونه؛^{۲۶} ابن هارون کنانی^{۲۷} (م ۷۴۶ق)؛ ابن عبدالله تنوخی (م ۷۳۷ق) امام جامع زیتونه و خطیب جمعه در جامع قصبه؛^{۲۸} ابن مهدی غبرینی (م ۸۱۰ق) قاضی الجماعة تونس و خطیب جمعه در جامع زیتونه؛^{۲۹} ابوالقاسم قسنطینی (م ۸۴۶ق) امام جماعت و خطیب و مسؤول فتوا در جامع زیتونه؛^{۳۰} محمد الصباغ (م ۷۵۰ق)؛ ابلی (?)، از علمای برجسته در معقول و منقول که ابن خلدون مدتی نزد او شاگردی کرد؛^{۳۱} جزولی^{۳۲} (م ۷۵۸ق)؛ ابوحفص عمر قلشانی (م ۷۴۷ق) از مدرسان و خطیب جامع زیتونه؛^{۳۳} ابن خلدون (م ۸۰۸ق).^{۳۴}

علاوه بر جامع زیتونه، جوامع دیگری نیز در افریقیه کارکرد آموزشی داشتند که عبارتند از:

- **جامع قیروان؛** که علاوه بر این که مسجد بزرگ و مجموعه‌ای از رباط‌های دفاعی را تشکیل می‌داد، مدرسه بزرگ فقه مالکی و حنفی نیز به شمار می‌رفت و مهمتر این که در کنار این مسجد، ساختمان بیت الحکمه قرار داشت که مرکزی برای ترجمه متون و کتاب‌های گوناگون به زبان عربی بود.^{۳۵}

- **جامع قصبه؛** نخستین مسجدی بود که به شکل زیبایی برای تدریس علوم دینی بنا شد.^{۳۶} این جامع کبیر به دست ابوزکریا یحیی‌ای اول (۶۲۵-۶۴۷ق) به عنوان یک مرکز علمی و ادبی ساخته شد. در این جامع، جلسات درس و شعر و ادب بر پا می‌شد.^{۳۷} حفصیان در آغاز حکمرانی خود به این جامع، نسبت به مساجد و جوامع دیگر از قبیل جامع زیتونه، توجه بیشتری داشتند و نیز بر آن بودند تا عقاید موحدی را در آن جا متمرکز کنند ولی مردم از این اقدام امیران حفصی استقبال نکردند و بیشتر بر تجدید بنای جامع زیتونه اصرار داشتند.^{۳۸}

- **جامع توفیق؛** معروف به جامع الهواء، از جمله مراکز علمی بود که در زمان حفصیان بنا شد.^{۳۹} این جامع بزرگ به دست ملکه عطف، همسر ابوزکریا یحیی و در زمان حکمرانی فرزندش ابوعبدالله محمد المستنصر ساخته شد.^{۴۰}

- **جامع سیدی محرز؛** که منسوب به یکی از اولیای قرن چهارم هجری به نام سیدی محرز بن خلف است که در آن به تدریس اشتغال داشت.^{۴۱} ابوعمر و عثمان، برادر محمد المنتصر، در قرن نهم هجری ساختمانی برای کتابخانه این جامع معروف بنا و همچنین کتب زیادی در علوم شرعی، ادبیات، طب، تاریخ و دیگر دانش‌ها، بر کتابخانه این جامع وقف کرد.^{۴۲}

مکتب‌خانه (کتاب)

مکتب، مهم‌ترین مرکز آموزش به کودکان بود که در بعضی منابع از آن با نام «کتاب»

یاد شده است.^{۴۳} هزینه‌ها و امور مالی مکتب را والدین کودکان تأمین می‌کردند و دولت در این امر دخالتی نداشت. البته گاه اتفاق می‌افتاد که برخی از دولت‌مردان علاقمند به نشر علم و فرهنگ، به ساختن مکتب اقدام می‌کردند.^{۴۴}

در افریقای دوره حفصی، مکتب‌خانه‌ها از اهمیت به‌سزایی برخوردار بودند. ابن سخنون، از محدثان بزرگ تونس، کتابی با عنوان «آداب المعلمین» درباره تعلیم و تربیت کودکان و نحوه اداره مکتب‌خانه تألیف کرد.^{۴۵} در این زمینه، علمای مالکی برای جلوگیری از ورود کودکان به مساجد (به خاطر حفظ احترام این مکان مقدس) و همچنین به دلیل تعصب فراوان بر حفظ مذهب مالکی در برابر سایر مذاهب مانند تشیع و خوارج، به عنوان یک سنت دیرینه بر ساخت مکتب‌خانه‌ها و آموزش کودکان در آن تأکید می‌کردند.^{۴۶} مالکیان معتقد بودند که آموزش کودکان باید در مکتب‌خانه باشد^{۴۷} و بر اساس فتوای مالک و پیروان او باید از ورود کودکان به مساجد جلوگیری شود؛ «امام مالک» در پاسخ به پرسشی در این زمینه گفته است: «از دیدگاه من روا نتواند بود، زیرا کودکان مسجد را از ناپاکی نگاه نمی‌دارند».^{۴۸}

بنابراین در دوره حفصی، امیران و سیاسیون توجه ویژه‌ای به کتاب (مکتب‌خانه) داشتند. برای نمونه، درباره ابوزکریای حفصی، بنیان‌گذار دولت بنی حفص آمده است که او هر گاه از کنار کتاب می‌گذشت، به آنجا می‌رفت و به آن رسیدگی می‌کرد و دستور می‌داد که کودکان را با نشاط نگه دارند و آنان را آزاد بگذارند تا همیشه با نشاط باشند.^{۴۹} با این علاقه و حمایت بود که امیران حفصی در شهرهای افریقای مثل تونس، قسنطینه و قیروان مکتب‌خانه‌های زیادی را بنا نهادند.^{۵۰}

نمونه دیگر سلطان ابوعمرو عثمان (۸۳۹-۸۹۳ق) از امیران دولت بنی حفص است که سه مکتب‌خانه بزرگ برای آموزش کودکان احداث کرد؛ یک مکتب‌خانه برای آموزش در جامع اعظم و دو مکتب‌خانه در «باب المناره». ابن ابی دینار^{۵۱} از مورخان و کاتبان برجسته

آن زمان، هر سه مکتب‌خانه را دیده و از وجود آن‌ها در زمان خود خبر داده است.^{۵۲} علاوه بر این، در تونس و دیگر شهرهای افریقه معمولاً مکتب‌خانه، میضاه (وضوخانه)، زاویه و مسجد در کنار هم بنا می‌شد که این نوع ساخت و ساز، نمونه‌ای از شهرسازی اسلامی را به نمایش می‌گذاشت.^{۵۳} سلطان ابوفارس عبدالعزیز (۷۹۶-۸۳۷ق) از دیگر امیران حفصی، مکتب‌خانه‌ای به نام سیجوم بنا کرد.^{۵۴} درباره آن نوشته‌اند که سلطان جایی را در نزدیکی باب البحر^{۵۵} تبدیل کرد به محلی برای برگزاری نماز و تدریس علم و قرائت قرآن و در آن، سفره‌خانه دائمی قرار داد.^{۵۶} سلطان همچنین مکتب‌خانه دیگری به نام مکتب‌خانه سیدی فتح الله ساخت که تا کنون پا بر جاست.^{۵۷} امیر حفصی دیگر که به ساخت مکتب‌خانه دستور داد ابو عبدالله محمد المستنصر (۶۴۷-۷۵۵ق) است که دستور ساخت مکتب‌خانه‌ای به نام شیخ سیدی بن عروس داد.^{۵۸} در برخی منابع مثل کتاب «الحلل السندسیة» تألیف وزیر سراج (م ۱۱۴۲ق) از این محل نیز یاد شده است.^{۵۹}

مدارس

در دوره حکومت حفصیان در تونس (۶۲۵-۹۸۲ق)^{۶۰} و مرینیان در مراکش (۵۹۲-۹۵۷ق) مدارس متعدد و با شکوهی به دست امیران و سلاطین بنا شد،^{۶۱} به گونه‌ای که افریقه دوره حفصی پرچم‌دار نهضت مدارس در غرب اسلامی به شمار می‌رفت؛ چنان که یکی از ویژگی‌های اساسی نظام حفصی، ایجاد نخستین مدرسه در غرب اسلامی است.^{۶۲} علاوه بر این، بنوحفص برای نشر عقیده خود در مغرب ادنی، به تأسیس مراکز علمی و توسعه آن اهتمام داشتند^{۶۳} که بیشترین سهم در پیشرفت علمی این دوره از آن مهاجران اندلسی و نیز ذوق و شوق امرای بنوحفص و حمایت آنان از این دانشمندان مهاجر بود.^{۶۴} علاوه بر این می‌توان گفت پیشرفت آموزش در آفریقا در زمان‌های مختلف مرهون علاقه مردم و نیاز آنان به دانش، مخصوصاً فراگیری قرآن و علوم دینی بود.^{۶۵} همه این عوامل باعث شد تا سلاطین بنوحفص توجه ویژه‌ای به ساخت و بنای مراکز

علمی داشته باشند که حاصل آن ساخت جامع زیتونه، مدرسه شماعیه و امثال آن به عنوان نهادهای آموزشی برجسته در مغرب بود که دانشمندان بی‌نظیری در اقصی نقاط مغرب پرورش داد.

با ظهور مدارس، آموزش در جهان اسلام تمرکز و انسجام بیشتری یافت. این موضوع باعث شد تا برنامه‌های آموزشی نظم و ترتیب بهتری بیابد و استادان از وضعیت مطلوب‌تر و دانشجویان و دانش‌پژوهان از موقعیت آموزشی برتری بهره‌مند شوند.^{۶۶} از این رو پر فایده‌ترین ثمره تأسیس مدارس، نظم و انسجامی بود که این مدارس بر نظام آموزشی جهان اسلام و برنامه‌هایش حاکم کرد و همین، سبب تفاوت بین مدارس و دیگر مراکز آموزشی عمومی یعنی مساجد و دارالعلم‌ها و نظایر آن شد؛ به سبب محدودیت گنجایش مدارس و محدود بودن عواید موقوفات، بر خلاف مجالس درس مساجد که حضور در آن برای عموم آزاد بود، تعداد دانشجویان در مجالس درس مدارس محدود بود.^{۶۷} علاوه بر این، علومی که در مدارس شرق و غرب جهان اسلام تدریس می‌شد تا حدودی با هم تفاوت داشت. مثلاً در مدارس افریقیه دوره حفصی، علوم و معارف، بیشتر بر فقه مالکی تکیه داشت^{۶۸} در حالی که در شرق اسلامی، مدرسه مستنصریه، بر خلاف مدارس نظامیه که تنها به یک مذهب اختصاص داشت، چهار ایوان داشت که هر یک برای تدریس یکی از مذاهب چهارگانه اهل سنت به استادی اختصاص داشت.^{۶۹}

شیوه‌های آموزشی در افریقیه همان شیوه‌های رایج (حفظ، روایت، سماع، املا) در مشرق اسلامی بود. برنامه‌های آموزشی هم در عین حالی که اصول آن در همه جا یکسان بود، بر اساس شرایط اجتماعی و فرهنگی، در جوامع و شهرهای مختلف، متفاوت بود. حفصیان از نظام مدرسه‌سازی عقیدتی در شرق که دو قرن پیش خواجه نظام الملک از آن استفاده سیاسی - عقیدتی کرده بود، تقلید کردند بدین گونه که مدارس حفصی، مانند مدارس نظامیه که تنها حامی فقه شافعی بود، به مذهب مالکی اختصاص داشت.^{۷۰} مهم‌ترین مدارس تأسیس شده در این دوره عبارتند از:

- **مدرسه شماعیه؛** بنیان‌گذار این مدرسه، امیر ابوزکریای حفصی بود. وی خود را در شمار متصوفه می‌دانست و در مجالس درس شرکت می‌جست. ابوزکریا نخستین مرکز آموزشی به شکل مدارس را در تونس ساخت و وقف هنگفتی برای آن قرار داد. سراج از مورخان عصر معتقد است که ابوزکریا در سال ۳۳۳ق. این مدرسه را بنا کرد.^{۷۱} این مدرسه در سوق البلاغجیه، کوی «شماعین» واقع شده، در نزدیکی جامع اعظم و سوق العطارین (بازار عطارها) قرار داشت. سوق العطارین در دوره حکمرانی حفصیان یکی از مهم‌ترین مراکز تجاری تونس به شمار می‌آمد که هنوز نیز پا برجاست. مورخان معتقدند این مدرسه چون در بازار شمع‌سازان ساخته شد، به مدرسه شماعیه معروف شد^{۷۲} و از نخستین مدارس تاریخ غرب اسلامی به شمار می‌رود.^{۷۳}

از استادان این مدرسه ابوالقاسم بن البراء^{۷۴} بود، وی از جمله مدرسانی بود که با نصب بازرس و ناظر و نقیب برای نظارت بر امور وقف مدرسه مخالفت می‌کرد. ابوالقاسم معتقد بود که نقبا و بازرسان مخصوص قوم بنی اسرائیل بودند و مدرسه نیازی به این‌ها ندارد و همه این کارها اسراف است.^{۷۵} مدرس معروف دیگر ابوعلی عمر بن قداح الهواری (م ۷۳۴ق)، قاضی الجماعه تونس بود؛ وی در مدرسه شماعیه سه روز را تعطیل می‌کرد (دوشنبه، پنجشنبه و جمعه) در حالی که واقف مدرسه، یعنی ابوزکریای حفصی، دو روز (پنجشنبه و جمعه) را تعطیل اعلام کرده بود. ابوالقاسم القسنطینی (م ۸۴۶ق)، ابوعبدالله البحیری (م ۸۵۸ق)، ابوالعباس القلشانی (م ۸۶۳ق) و الشیخ محمد الزندوی (?) از دیگر مدرسان این مدرسه بودند.^{۷۶}

- **مدرسه توفیقیه (الهواء)؛** این مدرسه را ملکه عطف، همسر ابوزکریا یحیی در زمان حکمرانی فرزندش ابوعبدالله محمد المستنصر - همراه مسجد جامع توفیق معروف به جامع الهواء - بنا نهاد.^{۷۷} تاریخ تأسیس این مدرسه معلوم نیست اما وفات ابوبکر محمد بن احمد بن سید الناس یعمری اشبیلی در سال ۶۵۷ق. که نخستین مدرس این مدرسه بوده

ثابت می‌کند که این مدرسه پیش از سال ۶۵۷ق. تاسیس شده است.^{۷۸} ابتکار تاسیس این مؤسسه علمی در تونس به دست بانو عطف باعث شد که امرا، بزرگان و ثروتمندان نیز به تاسی از روش وی، مدارس در پایتخت و سایر مناطق تونس تاسیس کنند.^{۷۹} ابن سید الناس (م ۶۵۷ق) - محدث معروف - از نخستین مدرسان مدرسه توفیقیه بود که به دعوت مستنصر، در این مدرسه به تدریس علم حدیث پرداخت.^{۸۰} ابوعبدالله محمد الشریف (م ۶۶۶ق) که از یاران ابوالحسن شاذلی^{۸۱} بود، یکی دیگر از استادان این مدرسه به حساب می‌آید. همچنین امام محمد بن عرفه (م ۷۳۶ق) که هنگام شیوع بیماری طاعون در تونس از آن جا گریخت، و شاگرد وی محمد الابی (؟) نیز در این مدرسه اقامت داشتند و به تدریس مشغول بودند.^{۸۲}

- **مدرسه عصفوریه؛** این مدرسه به دست ابوالحسن علی بن عصفور حصرمی اشبیلی (م ۶۶۹ق) فقیه، نحوی، صوفی، لغوی، مورخ، شاعر و صاحب کتاب‌هایی از جمله «المعرب فی النحو»، «شرح دیوان المتنبی» و «شرح جمل الزجاجی فی النحو» بنا شد.^{۸۳} احتمال داده می‌شود که این مدرسه را مهاجران اندلس به تونس تاسیس کرده و آن را به نام یکی از دانشمندان خود نام نهاده باشند. این مدرسه در باب عبدالسلام یعنی همان کوچه‌ای که به مدرسه «خلدونیه» راه دارد، واقع شده است.^{۸۴}

- **مدرسه معرضیه؛** این مدرسه را امیر ابوزکریا فرزند ابواسحاق ابراهیم بن زکریای حفصی در سال ۶۸۳ق. در محل مسافرخانه‌ای که می‌می‌فروخت، تاسیس کرد. وی مال انبوهی وقف این مدرسه کرد و خزانه کتاب بسیار نفیسی برای آنجا فراهم آورد. سراج می‌نویسد: محل این مدرسه اکنون به نام الرصاصیین معروف است.^{۸۵} زرکشی از دیگر مورخان، در باب این مدرسه گفته است: روبه‌روی دارالغوری مسافرخانه‌ای بود که گروهی خوشگذران در آن سکنی داشتند. این خبر به سلطان ابوزکریا رسید و او به بنای مدرسه‌ای در آن محل فرمان داد. این سراج آورده: سلطان ابوزکریا دستور داد مرکز فحشا را خراب

کنند و مدرسه المعروض را ساختند.^{۸۶} به گفته وی این مدرسه در خیابان کتیبین واقع شده بود.^{۸۷} گفته‌اند که ابوزکریا زمین‌های زیادی از مایملک خود را به همراه کتاب‌های نفیس در هر فنی از فنون دانش، بر مدرسه معروضیه وقف کرد.^{۸۸}

از مدرسان این مدرسه می‌توان به ابوالعباس احمد غرناطی^{۸۹} فقیه و مورخ که از طرف امیر ابوزکریا به عنوان نخستین مدرس این مدرسه منصوب شد، و همچنین ابوعبدالله محمد بن عبدالستار تمیمی (م ۷۴۹ق) که با شغل کشاورزی زندگی را می‌گذراند، و ابوعبدالله محمد زندوی (?) و ابوعبدالله محمد الباجی (?)^{۹۰} اشاره کرد. همچنین ابوعبدالله محمد بن عبدالسلام (م ۷۴۹ق) از کسانی است که در این مدرسه درس خوانده است.^{۹۱}

- **مدرسه مغربیه؛** احتمالاً این مدرسه به دست ابوعبدالله محمد مغربی (م ۸۹۶ق) از شیوخ برجسته این دوره ساخته شده است. تأسیس این مدرسه در چارچوب تلاش‌هایی قرار می‌گیرد که دانشمندان در راه گسترش علوم و ایجاد مراکزی برای اسکان دانشجویان انجام می‌دادند. منابع دوره حفصی به دلیل معروف نبودن این مدرسه از آن نام نبرده‌اند اما در دوره حکمرانی ترکان، به علت سکونت شیخ سعید شریف در این مدرسه، به آن و زمان ساختش اشاره شده است.^{۹۲}

- **مدرسه مرجانیه؛** این مدرسه به نام شیخ ابوعبدالله محمد مرجانی (م ۶۹۹ق) از شیوخ برجسته حامی حفصیان ساخته شد و محلی برای تدریس و زندگی شیخ بود تا مردم و مریدان او بتوانند از او استفاده کنند. عمری حکایت می‌کند که ابوزکریا یحیی هر روز صبح به مکانی که مدرسه نامیده می‌شد می‌رفت و در آنجا با وزیر دارایی و وزیر جنگ به گفتگو می‌نشست و پس از خاتمه جلسه، مدرسه را ترک می‌کرد. این، گونه متفاوتی از مدارس بود که خاص یک عالم هوادار حکومت بود و با بودجه دولتی ساخته و اداره می‌شد.^{۹۳} برونشویک بعید می‌داند که این مدرسه همان مدرسه شماعیه باشد؛ چون شماعیه از قصبه (مرکز حکومت) دور بوده و این مدرسه بنا به احتمال او در داخل قصبه بوده است.^{۹۴}

- **مدرسه عنقیه (عنق الجمل)؛** این مدرسه از جمله مدرسی بود که به دست فاطمه

خواهر سلطان ابویحیی ابوبکر بن ابوزکریا در سال ۷۴۲ق. بنا شد.^{۹۵} سراج، صاحب کتاب مشهور «الحلل السندیة فی الاخبار التونسیة» از مدرسان این مدرسه بود.^{۹۶} قاضی عبدالسلام محمد هواری (م ۷۴۶ق) نیز که به درخواست امیرزاده فاطمه، تدریس در مدرسه عنق الجمل را قبول کرد، به علت کثرت مشاغل دینی مجبور بود تدریس در مدرسه شماعیه و عنق الجمل را تقسیم کند^{۹۷} و به همین دلیل به کوتاهی در امر مدرسه عنق الجمل متهم شد و خواهر سلطان عذرش را خواست و در نهایت ابوعبدالله محمد بن سلامه (م ۷۴۶ق) را به جای او منصوب کرد.^{۹۸} قاضی الانکحه^{۹۹} تونس، محمد القلشانی (م ۸۸۶ق) معاصر سلطان عثمان حفصی هم از مدرسان این مدرسه بود.^{۱۰۰} این مدرسه اکنون با همین نام، در خیابان عنق الجمل قرار دارد.^{۱۰۱}

- مدرسه یحیی سلیمانی؛ این مدرسه که در سال ۷۴۷ق. تأسیس شد، در مجاورت جامع یحیی سلیمانی در خیابان «برج» نزدیک باب العسل، در شهر تونس قرار دارد.^{۱۰۲} اطلاعاتی که وجود فعالیت علمی در این مدرسه را اثبات کند در دست نیست. بدین جهت احتمال داده شده که این مدرسه، فقط محلی برای سکونت شاگردان بوده است. ابن ابی دینار هم در کتاب خود «المونس فی اخبار افریقیة و تونس» به مسجد جامع یحیی سلیمانی اشاره می‌کند ولی هیچ توضیحی در باب این مدرسه ذکر نکرده است.^{۱۰۳}

- مدرسه کتیبین؛ این مدرسه از جمله مدارس باشکوهی بود که در دوره حفصیان در تونس بنا شد. محمد بن عبدالستار (م ۷۴۹ق) از مدرسان این مدرسه به شمار می‌رفت. ابن بطوطه در سفر خود به افریقیه، مدت کوتاهی در این مدرسه اقامت کرده است.^{۱۰۴} احتمالاً این مدرسه چون در دارالغوری در نزدیکی بازار کتیبین بود، به این نام نامیده شد.^{۱۰۵}

- مدرسه ابن تافراجین؛ ابومحمد عبدالله بن تافراجین (م ۷۶۶ق) این مدرسه را بنا کرد. وی بعدها در اثر بیماری وبا درگذشت و در همین مدرسه^{۱۰۶} در کنار پل سنگی ابن ساکن، داخل باب «سویقه» دفن شد. این مدرسه هم از مدارسی است که تا کنون سالم باقی مانده

و بر سنگ مرمر سردر مدرسه که اکنون در خیابان سیدی ابراهیم شهر تونس قرار دارد،^{۱۰۷} تاریخ تأسیس آن ذکر شده است. از مهم‌ترین مدرسان این مدرسه می‌توان به ابوالقاسم برزلی (م ۸۴۱ق) و ابوالبرکات محمد بن محمد بن عصفور (م ۹۰۴ق) و محمد بن غافقی (?). اشاره کرد.

- **مدرسه منتصریه (الفلقه)**؛ آخرین سلاطین دولت حفصی توجه ویژه‌ای به ساخت و ساز مدرسه داشتند و همین امر باعث شکوفایی مجدد فرهنگ حفصی گردید. خلیفه ابوعبدالله محمد المنتصر در سال ۸۳۸ق. بنای ساختمان این مدرسه را آغاز کرد و نام خویش را بر آن نهاد. این مدرسه نخستین مدرسه‌ای بود که به نام یک امیر حفصی خوانده شد^{۱۰۸} و چون در نزدیکی بازار الفلقه بود به مدرسه الفلقه هم نامیده می‌شد.^{۱۰۹} سلطان ابوعبدالله قبل از اتمام این بنا از دنیا رفت ولی برادرش ابوعمر و عثمان بن محمد کار ساخت آن را به پایان رساند.^{۱۱۰} مدرسه منتصریه هنوز در شهر تونس در خیابان الوصفان و با همین نام (منتصریه)^{۱۱۱} نزدیک سوق النحاس (بازار مسگران) قرار دارد. از جمله کسانی که در این مدرسه تدریس می‌کردند می‌توان به احمد قسنطینی (?)، قاضی ابوعبدالله الزندوی (?)، ابوعبدالله محمد بن عقاب (م ۸۵۱ق) و شیخ قاضی احمد القلشانی (م ۸۶۳ق) اشاره کرد.^{۱۱۲}

- **مدرسه مجاوره**؛ این مدرسه به دست ابوعمر و عثمان در سال ۸۴۰ق. نزدیک آرامگاه سیدی محرز بن خلف ساخته شد. در این مدرسه، مسجدی برای برگزاری نماز و محلی برای سکونت دانشجویان احداث شد.^{۱۱۳} این مدرسه تا پایان قرن یازدهم هجری، همچنان پابرجا ماند.^{۱۱۴} اقدامات عمرانی ابوعمر و همانند سایر سلاطین این دوره، تمام نواحی کشور، از تونس تا بلاد جرید را در بر گرفت.^{۱۱۵} گفته شده که وی هزار دینار خرج ساخت مدارس و سرپرستان و طلاب و دانشجویان آن کرد.^{۱۱۶}

- **مدرسه قائد نبیل**؛ این مدرسه به دست قائد نبیل در «وقطایه» در سال ۸۵۰ق. در

کنار یکی از دروازه‌های شرقی قصبه ساخته شد. قائد نبیل، در سال ۸۵۷ق. در وقطایه درگذشت و در همین مدرسه دفن شد. ابواسحاق ابراهیم اخضری فقیه (?) یکی از کسانی بود که به عنوان مدرس در آن جا منصوب شد.^{۱۱۷} زرکشی معتقد است این محل که بعدها به مدرسه تبدیل شد در خیابان حلقاوین در حومه باب سویقه قرار داشت.^{۱۱۸}

کتاب‌خانه‌ها

نقش کتاب‌خانه‌ها بیشتر در جنبه امین بودن آن‌ها و حفاظت کتاب‌ها از دست‌برد افراد و جلوگیری از به سرقت رفتن آن‌ها مشهود بود. به همین خاطر پادشاهان و علما کتاب‌های خود را وقف کتاب‌خانه‌ها می‌کردند تا از آن به بهترین شکل نگهداری شود. علاوه بر این، کتاب‌خانه‌ها یکی از مهم‌ترین مؤسسات فرهنگی در تمدن اسلامی بودند که مسلمانان به آن اهمیت بسیار می‌دادند. یکی از ویژگی‌های بارز و اساسی فرهنگ و تمدن اسلامی در مقایسه با دیگر تمدن‌ها، علاقه و اشتیاق فراوان مسلمانان به جمع‌آوری کتاب و قرار دادن کتاب‌های رشته‌های مختلف علمی در دست‌رس اقشار گوناگون جامعه است. از این رو حمایت امیران، وزیران و دانشمندان از کتاب و کتاب‌خانه، موجب توسعه و ارتقای فرهنگ و تمدن اسلامی شده است. کتاب‌خانه‌ها در دوره حفصی از رونق و شکوه برخوردار بودند. در این دوره، خلفا و امیران حفصی در کاخ‌های خود کتاب‌خانه‌هایی ایجاد کردند که درهای آن به روی طالبان علم گشوده بود و به عنوان کتاب‌خانه‌های عمومی نیز شناخته می‌شدند. برخی از دانشمندان این دوره هم در منازل خود کتاب‌خانه شخصی داشتند که امکان استفاده از آن برای دیگران نبود.^{۱۱۹} در غالب مساجد و شهرها هم کتاب‌خانه‌های عمومی وجود داشت.^{۱۲۰} علاوه بر این، در برخی جوامع و زوایای این دوره هم شاهد وجود کتاب‌خانه‌هایی هستیم. برخی از کتاب‌خانه‌های معروف این دوره از این قرار است:

- کتاب‌خانه عمومی زیتونه؛ مسجد زیتونه کتاب‌خانه‌های بزرگی داشت از جمله کتاب‌خانه شرقیه که شاهزاده ابوعمر و عثمان (۸۳۹-۸۹۳ق) آن را بنا کرد. وی نوه ابوفارس

عبدالعزیز (حک ۷۹۶-۸۳۷ق) حاکم قدرتمند تونس بود. سخاوی می‌نویسد: «سلطان ابوعمر و عثمان فرزند محمد بن عبدالعزیز حفصی، بناهای عظیمی ایجاد کرد و کتاب‌خانه الشریقه را در مسجد جامع زیتونه تأسیس کرد و کتب گران‌بهای در آن قرار داد».^{۱۲۱} ابوعمر و عثمان در سال ۸۳۹ق. نیز بر این کتاب‌خانه، کتاب‌های مهم دیگری افزود و آن را در مقصوره شرقی جامع زیتونه، که به مقصوره سیدی محرز بن خلف مشهور بود، قرار داد.^{۱۲۲} بعد از ابوعمر و عثمان، جانشین او، ابوعبدالله محمد المنتصر کتب زیادی را وقف این کتاب‌خانه کرد.^{۱۲۳} ابوعبدالله مستنصر (۶۴۷-۶۷۵ق) هم از دیگر امیران حفصی بود که نیز ۳۶ هزار جلد کتاب وقف جامع زیتونه کرد و ابوعلی الهواری (?) را به عنوان نگهبان کتاب‌خانه زیتونه قرار داد.^{۱۲۴} در همین دوره بود که کتاب‌های زیادی به دلیل سهل‌انگاری و یا کم‌توجهی نگهبان کتاب‌خانه از بین رفت ولی ناظر کتاب‌خانه تنها علت از بین رفتن کتاب‌ها را باران و دست‌برد افراد می‌دانست.^{۱۲۵}

- کتاب‌خانه احمدیه؛ این کتاب‌خانه با ارزش‌ترین و بیشترین مجموعه کتب را با عناوین و موضوعاتی از قبیل دستور زبان، شعر و شاعری، منطق، زبان‌های محلی، رسوم و آداب معاشرت، اسناد و مدارک، فلسفه عالم هستی، حساب، هندسه، مطالب مربوط به معادن، آموزش حرفه‌ای، آداب و رسوم محلی، علم رمالی و طالع‌بینی^{۱۲۶} در خود داشته است. تأسیس این کتاب‌خانه به زمان سلطنت شاه‌زادگان بنی حفص برمی‌گردد. بیشتر امرا و شاه‌زادگان این دودمان برای بهتر کردن و ارتقای جایگاه علمی این کتاب‌خانه با یک‌دیگر رقابت می‌کردند که مهم‌ترین آنان ابوفارس عبدالعزیز بود که در سال ۷۹۷ق. ۳۶ هزار جلد کتاب، وقف کتاب‌خانه مسجد احمدیه کرد.^{۱۲۷}

- کتاب‌خانه جامع قیروان؛ قیروان در عصر بنوحفص از لحاظ فرهنگی، بعد از تونس و بجایه در جایگاه سوم قرار داشت. مسجد جامع قیروان یکی از مراکز فرهنگی - آموزشی مهم در تمام قسمت‌های افریقای شمالی بود. گفته شده در کتاب‌خانه جامع عقبه قیروان

در قرن هفتم هجری کتاب‌های زیادی نگهداری می‌شد که یکی از آن‌ها قرآنی بود به خط عبدالله بن عمر که عثمان آن را به مغرب فرستاد.^{۱۲۸} ابن خلدون نیز نسخه‌ای از کتاب العبر خود را بر کتابخانه این جامع بزرگ وقف کرد و اجازه داد که این کتاب را به عاریت ببرند مشروط به این که استفاده‌کننده فردی خوشنام و امین باشد و چیز مناسبی را گرو بگذارد و کتاب را بیش از دو ماه نزد خود نگه ندارد و در نهایت آن را به کتابخانه برگرداند.^{۱۲۹}

- کتابخانه قصر ارگ یا قصر الاماره؛ این کتابخانه از کتابخانه‌های سلطنتی بود که ابوزکریا یحیای اول (۶۲۵-۶۴۷ق) آن را بنا کرد. این کتابخانه سی و شش هزار^{۱۳۰} جلد کتاب داشت که گفته شده همه این کتاب‌ها پیش از انقراض حکومت حفصیان از بین رفته است.^{۱۳۱}

زوایا

زاویه در اصطلاح مکانی است که در آن عزلت می‌گزینند و به ذکر و قرائت قرآن می‌پردازند. این اصطلاح در بسیاری نواحی، به ویژه در شمال آفریقا، به معنی خانقاه به کار رفته است.^{۱۳۲} زاویه در شمال آفریقا از حدود قرن چهارم، به عنوان محل عبادت و تشکیل مجالس درس به کار گرفته شد. زوایا در زمینه آموزش، به خصوص آموزش عمومی و دینی در دوره حفصی نقش مؤثری داشتند. سلطان ابوفارس عبدالعزیز و ابوعمر عثمان، از جمله کسانی بودند که از این نوع مراکز آموزشی تأسیس کردند.^{۱۳۳} مهم‌ترین زوایای این دوره عبارتند از:

- زاویه واقع در نزدیکی باب ابی سعدون تونس؛ این زاویه هم یک کاروان‌سرا و هم محلی برای سکونت مسافران بود.^{۱۳۴}

- زاویه الداموس (زاویه فتح الله عجمی)؛ که هم کاروان‌سرا و هم سفره‌خانه بود.^{۱۳۵}

- زاویه الزمیت؛ که محلی برای استراحت مسافران هم بود.^{۱۳۶}

- زاویه الزبیدین در تونس.^{۱۳۷}

- زاویه سیجوم (باب البحر)؛ که در کنار آن رباطی برای سکونت مسافران^{۱۳۸} وجود داشت.^{۱۳۹}
- زاویه زواوی که در شهر زواوه بود. در این زاویه فقط فقه و تصوف آموزش داده می‌شد. از جمله کسانی که در این زاویه به تعلیم و تعلم مشغول بودند، می‌توان به شیخ عبدالرحیم زواوی اشاره کرد.^{۱۴۰}
- زاویه عوانیه؛ در قیروان که در آن علوم مربوط به تصوف تدریس می‌شد.^{۱۴۱}
- زاویه اولاد سهیل در طرابلس غرب، در این مکان کتاب‌های زیادی وقف شده بود.^{۱۴۲}
- زاویه شیخ احمد بن العروس، که مردم به آن پناه می‌بردند.^{۱۴۳}
- زاویه شیخ قاسم الجلیزی،^{۱۴۴}
- زاویه سید ابوالحسن شاذلی،^{۱۴۵}
- زاویه شیخ سیجومی،^{۱۴۶}
- زاویه شیخ الکلاعی^{۱۴۷} و ...^{۱۴۸}

نتیجه

امیران حفصی، از جمله ابوزکریا یحیای اول، ابو عبدالله محمد المستنصر، ابوفارس عبدالعزیز و ابو عمرو عثمان، مراکز علمی - آموزشی فراوانی از قبیل مدرسه، مسجد، مکتب‌خانه و زاویه در تونس بنا کردند، تا جایی که شهر تونس بعدها به شهر مدارس تبدیل شد و افراد زیادی در این مراکز به تحصیل و تدریس مشغول شدند. از نکات قابل توجه درباره این مراکز، وجود کتاب‌خانه‌های غنی و علاقه مردم به جمع‌آوری کتاب و حمایت امیران، وزیران و دانشمندان از کتاب و کتاب‌خانه است.

در این دوره تعداد زیادی از دانشمندان مسلمان از جمله قصادی، ابن سبعین و ابن خلدون که خود باعث گسترش تعلیم و شکوفایی فرهنگ و تمدن افریقیه شدند، از سایر نقاط جهان اسلام به ویژه اندلس، به افریقیه مهاجرت کردند تا زیر چتر پشتیبانی

دولت مردان حفصی، به فعالیت‌های علمی خود ادامه دهند. مدارس و مراکز علمی که در این دوره ساخته شد هر یک موقوفاتی داشت که عواید آن صرف تعمیر و تأمین مخارج مدرسه و پرداخت حقوق و مقرری مدرسان و دانشجویان می‌شد. سلاطین بنی حفص از جمله ابوعبدالله مستنصر و ابوزکریا یحیای اول کتاب‌های فراوانی را وقف جامع زیتونه و سایر مراکز علمی کردند تا جویندگان دانش بتوانند از آن بیشترین بهره را ببرند.

پی‌نوشت‌ها

۱. افریقیه یا مغرب ادنی؛ پایتختش قیروان بود و لیبی و تونس و بخش‌هایی از شرق الجزایر فعلی را در بر می‌گرفت.
۲. از دانشمندان افریقیه بود که افکار او سراسر مغرب اسلامی را تحت تأثیر قرار داد. وی در سبطه اندلس به دنیا آمد و مدتی در غرناطه تحصیل کرد و سال‌های آخر عمر خود را تونس گذراند. وی در علم حساب و جبر مهارت داشت؛ السراج، ابو عبدالله محمد بن محمد، *الحلل السندسیه فی الاخبار التونسیه*، اول، بیروت: ۱۹۸۵م، ج ۱، ص ۶۵۴-۶۵۵.
۳. فیلسوف و عارف اهل اندلس بود که به تونس مهاجرت کرد. وی در علوم شرعی و عقلی مهارت داشت؛ بنگرید: ابن الشماخ، *الادله البینه النورانیة فی مفاخر الدولة الحفصیة*، اول، بیروت: ۱۹۳۶م، ص ۶۷.
۴. حمله مغول در نیمه دوم سده هفتم در شرق، باعث اغتشاش و آشفتگی در مراکز علمی، وضع دانشمندان و کتاب‌خانه‌ها و ناب‌سامانی در شرایط آموزشی شرق اسلامی شده بود، به همین خاطر دانشمندان زیادی به تونس مهاجرت کردند تا در آن جا در سایه دولت بنی حفص به فعالیت‌های علمی خود بپردازند. برای توضیحات بیشتر، بنگرید: قاسم، قاسم عبده، *عصر سلاطین الممالیک* *التاریخ السیاسی و الاجتماعی*، اول، بی‌جا: بی‌نا، ۱۹۹۸م.
۵. السلاوی، احمد بن خالد الناصر، *الاستقصاء لخبار دول المغرب الاقصی*، اسکندریه: دار الکتاب، ۱۹۵۵م، جزء اول، ج ۲، ص ۱۹۱.
۶. قاسم، *عصر سلاطین الممالیک*، پیشین.
۷. عبدالعزیز، محمد عادل، *التربیه الاسلامیه فی المغرب (اصولها المشرقیة و تأثیراتها الاندلسیة)*، مصر: ۱۹۸۷م، ص ۷۰.
۸. ناصری طاهری، عبدالله، *مقدمه‌ای بر تاریخ مغرب اسلامی*، دوم، قم: حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.

ص ۹۸.

۹. مونس، حسین، تاریخ و تمدن مغرب، ترجمه حمیدرضا شیخی، تهران: سمت، ۱۳۸۴، ج ۲،

ص ۵۳۳.

۱۰. غنیمه، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسای، دانشگاه تهران،

۱۳۷۷، ص ۶۹.

۱۱. دبیرخانه ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی - هنری مساجد، مساجد در

تمدن اسلامی، به کوشش دبیرخانه ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی - هنری

مساجد، تهران: رسانش، ۱۳۸۴، ص ۳۴۷.

۱۲. ابن الخوجه، محمد، صفحات من تاریخ تونس، تحقیق حمادی، اول، لبنان، بیروت: دار الغرب

الاسلامی، ۱۹۸۶م، ص ۲۸۶.

۱۳. معموری، طاهر، دانشگاه زیتونه (تاریخ فرهنگ و علوم اسلامی در دوران حکمرانی خاندان

حفص و ترکان (۱۲۰۶-۱۶۰۳ ق/ ۱۷۰۵-۱۱۱۷ م)، ترجمه زهرا خسروی، امیر کبیر، ۱۳۷۸،

ص ۷۷-۷۸.

۱۴. القیروانی، الرقیق، تاریخ افریقیة و المغرب، تحقیق محمد زینهم، اول، بی جا: دار الفرجانی،

۱۹۹۴م، ص ۶۶؛ سویسی، محمد، انماط العمران البشري بافریقیة و جزيرة المغرب حتی العهد

الحفصی، تونس: النشر الجامعی، ۲۰۰۱م، ص ۱۲۸؛ ابن ابوالضیاف، احمد، اتحاف اهل الزمان باخبار

ملوک تونس و عهد الامان، دوم، الدار التونسیة، ۱۳۹۶ق، ص ۱۱۲؛ عبدالله کامل، موسی عبده،

الامویون و آثارهم المعماریة فی الشام و العراق و الحجاز و الیمن و مصر و افریقیة، اول، قاهره: دار

الآفاق العربیة، ۱۴۲۳ق، ص ۳۲۱؛ این بنای مهم علمی - آموزشی را ابتدا حسان بن نعمان در اوایل

قرن دوم هجری (۱۱۴ق) ساخت. سپس امیر عبیدالله بن حبیب به دستور خلیفه اموی، بنای قدیم

- را ویران و ساختمان جدید را بر مساحتی وسیع بنا کرد؛ بنگرید: الولی، طه، جامع الزيتونة عمارته فی مراحل تاریخه، مجله دار الفكر العربی، لبنان، بی تا، مجلد سوم، ص ۲۲۷.
۱۵. غنیمه، پیشین، ص ۶۹.
۱۶. الدولاتلی، عبدالعزیز، مدینة تونس فی العهد الحفصی، تونس: دار سراس للنشر، ۱۹۸۱م، ص ۱۲۳-۱۲۶.
۱۷. ابن محمود، محمد المختار، مجلة زيتونة، تونس: ۱۹۳۷م، جزء دوم، ج ۲، عدد ۵۷، ص ۵۱.
۱۸. غنیمه، پیشین، ص ۷۰؛ ابن الخوجة، پیشین، ص ۲۸۸.
۱۹. عدلی، محمدرضا، «خاتقاه»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲۱، ص ۷۳۲.
۲۰. زرکشی، ابو عبدالله محمد بن ابراهیم، تاریخ الدولتین الموحدیة و الحفصیة، تحقیق محمد ماضور، اول، تونس: ۱۹۶۶م، ص ۵۰.
۲۱. ابن عامر، احمد، الدولة الحفصیة، تونس: دار الکتب الشریقیة، بی تا، ص ۶۶؛ سالم، سید عبدالعزیز، تاریخ المغرب فی العصر الاسلامی، اسکندریه: مؤسسه شباب الجامعة، ۱۹۸۲م، ص ۳۴۹-۳۵۰.
۲۲. زرکشی، پیشین، ص ۷۷؛ ابن الخوجة، پیشین، ص ۲۹۸-۲۹۹.
۲۳. معموری، پیشین، ص ۴۸-۴۹.
۲۴. برومند اعلم، عباس و ...، «نهادهای آموزشی مغرب اقصی در عصر بنی مرین»، مجله مطالعات تاریخ اسلام، تهران: ۱۳۹۱، سال چهارم، شماره ۱۵، ص ۶۹.
۲۵. السراج، پیشین، ج ۱، ص ۵۶۳؛ ابن عامر، الدولة الحفصیة، پیشین، ص ۶۹-۷۰.
۲۶. السراج، پیشین، ج ۱، ص ۵۸۳؛ ابن محمود، پیشین، ص ۵۲.
۲۷. السراج، پیشین، ج ۱، ص ۵۸۳.

۲۸. همان، ج ۱، ص ۵۸۸.
۲۹. همان، ج ۱، ص ۵۹۸؛ معموری، پیشین، ص ۹۶.
۳۰. السراج، پیشین، ج ۱، ص ۵۹۶؛ معموری، پیشین، ص ۹۷.
۳۱. همان.
۳۲. السراج، پیشین، ج ۱، ص ۶۰۵.
۳۳. همان، ج ۱، ص ۶۰۶؛ معموری، پیشین، ص ۹۸.
۳۴. ابن محمود، پیشین، ص ۵۲.
۳۵. الکعاک، عثمان، روابط ایران و تونس در گذر زمان، ترجمه ستار عودی، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۷، ص ۸۹. شهر قیروان در گذشته، از زمان فتح همواره دارالعلم مغرب و محل مهاجرت بسیاری از طالبان دانش بود و علمای بزرگی در این دوره به آن منسوبند و همین یکی از عوامل شکوفایی مراکز علمی در این شهر شد؛ بنگرید: مراکشی، عبدالواحد بن علی، المعجب فی تلخیص اخبار المغرب، ترجمه محمدرضا شهیدی پاک، اول، قم: حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰، ص ۲۳۷.
۳۶. ابن عامر، احمد، تونس عبر التاريخ، اول، نشر و توزیع الهادی عبدالغنی (مکتبة النجاح)، ۱۳۷۹ق، ص ۲۰۷.
۳۷. ابن قنفذ، احمد بن حسین، الفارسیة فی مبادئ الدولة الحفصیة، تحقیق محمد الشاذلی النیفر، الدار التونسیة، بی تا، ص ۱۰۹.
۳۸. معموری، پیشین، ص ۷۸-۷۹.
۳۹. ابن عامر، تونس عبر التاريخ، پیشین، ص ۲۰۷.
۴۰. ابن الشماع، پیشین، ص ۶۳.

۴۱. البکری، ابو عبید، *المغرب فی ذکر بلاد افریقیه و المغرب*، قاهره: دار الکتب الاسلامی، بی‌تا، ص ۳۹.
۴۲. زرکشی، پیشین، ص ۱۳۶.
۴۳. حسین زاده شانه‌چی، حسن، *تاریخ آموزش در اسلام*، اول، قم: نشر بین المللی المصطفی، ۱۳۸۸، ص ۸۲-۸۴.
۴۴. حسین زاده شانه‌چی، پیشین، ص ۸۲-۸۴.
۴۵. محفوظ، محمد، *تراجم المؤلفین التونسیین*، دوم، بیروت: دار الغرب الاسلامی، ۱۹۸۴م، ج ۴، ص ۲۰۳.
۴۶. التلیسی، بشیر رمضان، *الاتجاهات الثقافیة فی المغرب الاسلامی*، اول، بیروت: ۲۰۰۲م، ص ۳۸۰-۳۸۴.
۴۷. شلبی، احمد، *تاریخ آموزش در اسلام*، ترجمه محمدحسین ساکت، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۴۹؛ حجازی، عبدالرحمن عثمان، *التربیة الاسلامیة فی القیروان فی القرون الهجریة الثلاثة الاولى*، اول، صیدا، بیروت: المكتبة العصریة، ۱۹۹۷م، ص ۲۳۹.
۴۸. شلبی، پیشین، ص ۴۹؛ حجازی، پیشین، ص ۲۳۹.
۴۹. زرکشی، پیشین، ص ۷۰.
۵۰. ابن الشماخ، پیشین، ص ۲۰۱. در شهر قسطنطینه به کتاب مسیده گفته می‌شد و مسیده همان مکتب در نزد مغاربه است؛ بنگرید: همان، ص ۲۰۱.
۵۱. از تاریخ ولادت و مرگ وی آگاهی در دست نیست.
۵۲. ابن ابی دینار، محمد بن ابی القاسم الرعینی، *المونس فی اخبار افریقیه و تونس*، سوم، بیروت (لبنان): دار المیسرة - تونس: مؤسسه سعیدان، ۱۹۹۳م، ص ۱۵۷؛ السراج، پیشین، ج ۲، ص ۱۹۶.

۵۳. الدولاتلی، پیشین، ص ۱۲۴؛ دباغ، انوریه عبدالرحمن ابن محمد، معالم الايمان، مصر - تونس: ۱۳۲۰ ق، ص ۷۸-۷۹.
۵۴. معموری، پیشین، ص ۱۲۷-۱۲۸.
۵۵. باب البحر محلی است که ابوفارس توانست بر ویرانه میکده‌ای در آنجا زاویه‌ای را برای آموزش و فعالیت‌های علمی بنا کند؛ ابن ابی‌دینار، پیشین، ص ۱۷۳-۱۷۵؛ ابن قنفذ، پیشین، ص ۱۷۸؛ ابن الشماخ، پیشین، ص ۱۱۰.
۵۶. ابن الشماخ، پیشین، ص ۱۴۵-۱۴۸؛ السراج، پیشین، ج ۲، ص ۱۸۷؛ ابن ابی‌دینار، پیشین، ص ۱۵۵.
۵۷. معموری، پیشین، ص ۱۲۷؛ زرکشی، پیشین، ص ۱۴۱.
۵۸. ابن الشماخ، پیشین، ص ۱۰۵.
۵۹. السراج، پیشین، ج ۲، ص ۱۹۵.
۶۰. ابن عامر، الدولة الحفصية، پیشین، ص ۶۵.
۶۱. حسین‌زاده شانه‌چی، پیشین، ص ۹۹ و ۱۰۵.
۶۲. غنیمه، پیشین، ص ۱۵۷.
۶۳. ناصری طاهری، پیشین، ص ۹۸.
۶۴. ابن عامر، تونس عبر التاريخ، پیشین، ص ۲۰۵-۲۰۶.
۶۵. معموری، پیشین، ص ۳۸.
۶۶. حسین‌زاده شانه‌چی، پیشین، ص ۹۳.
۶۷. همان.
۶۸. ابن عامر، تونس عبر التاريخ، پیشین، ص ۲۰۷.
۶۹. غنیمه، پیشین، ص ۱۲۵.

۷۰. کسای، نورالله، *مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن*، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۴، ص ۹۸-۱۰۰.
۷۱. السراج، پیشین، ج ۲، ص ۱۴۵.
۷۲. ابن ابی دینار، پیشین، ص ۱۳۴؛ عبدالوهاب، حسن حسنی، *ورقات عن الحضارة العربية بافریقیه*، تونس: ۱۹۷۲م، ج ۱، ص ۳۲.
۷۳. هیلن برند، روبرت، *معماری اسلامی*، ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: روزنه، ۱۳۸۰، ص ۲۳۷.
۷۴. ابن الشماع، پیشین، ص ۵۶. از تاریخ ولادت و مرگ وی آگاهی در دست نیست.
۷۵. معموری، پیشین، ص ۱۱۸.
۷۶. زرکشی، پیشین، ص ۷۰. فهرست نام استادان این مدارس به این افراد محدود نمی‌شود، ولی منابع در معرفی کامل و دقیق آنان سخنی نگفته‌اند.
۷۷. ابن عامر، *الدولة الحفصیة*، پیشین، ص ۸۵.
۷۸. ابن الشماع، پیشین، ص ۶۳.
۷۹. غنیمه، پیشین، ص ۱۵۶-۱۵۹.
۸۰. السراج، پیشین، ج ۱، ص ۶۹۴.
۸۱. وی کسی بود که طریقت تصوف شاذلیه را پدید آورد. وی قهوه را از یمن برای مریدان خود آورد تا کمتر بخوابند و بیشتر به ذکر و عبادت بپردازند، از این رو است که قهوه را شاذلیه نامند؛ بنگرید: ابن عامر، *تونس عبر التاريخ*، پیشین، ص ۲۰۳-۲۰۶.
۸۲. ابن الشماع، پیشین، ص ۶۳؛ سویسی، پیشین، ص ۱۳۱.
۸۳. ابن الشماع، پیشین، ص ۵۴.
۸۴. معموری، پیشین، ص ۱۲۳.

۸۵. السراج، پیشین، ج ۲، ص ۱۵۸؛ مونس، پیشین، ج ۲، ص ۴۸۳.
۸۶. السراج، پیشین، ج ۲، ص ۱۵۷.
۸۷. معموری، پیشین، ص ۱۲۱.
۸۸. غنیمه، پیشین، ص ۱۵۸.
۸۹. منابع در بیان تاریخ ولادت و مرگ وی و معرفی او توضیحی نداده‌اند.
۹۰. زرکشی، پیشین، ص ۶۷؛ معموری، پیشین، ص ۱۲۲.
۹۱. معموری، پیشین، ص ۱۲۲. غنیمه به نقل از زرکشی می‌گوید: چون امیر ابوزکریا بن سلطان ابواسحاق حفصی این مدرسه را در سال ۶۸۳ق. در شهر تونس بنا کرد، برای استاد این مدرسه وجه معاشی معادل ده دینار در ماه در نظر گرفت؛ بنگرید: غنیمه، پیشین، ص ۳۲۵.
۹۲. معموری، پیشین، ص ۱۲۳.
۹۳. همان، ص ۱۲۴.
۹۴. همان.
۹۵. ابن عامر، *الدولة الحفصية*، پیشین، ص ۸۶.
۹۶. السراج، پیشین، ج ۲، ص ۳۹۶.
۹۷. سویسی، پیشین، ص ۱۳۶.
۹۸. همان.
۹۹. قاضی الانکحه، شخصیتی دارای اهمیت علمی و سیاسی بود که به امور قضایی نیز می‌پرداخت؛ مونس، پیشین، ج ۲، ص ۵۹۵.
۱۰۰. السراج، پیشین، ج ۱، ص ۶۷۲.
۱۰۱. سویسی، پیشین، ص ۱۳۶؛ ابن عامر، *تونس عبر التاريخ*، پیشین، ص ۲۰۵.
۱۰۲. ابن الشماع، پیشین، ص ۹۳.

۱۰۳. ابن ابی‌دینار، پیشین، ص ۱۶۷.
۱۰۴. ابن بطوطه، محمد، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۹.
۱۰۵. ابن ابی‌دینار، پیشین، ص ۱۶۰.
۱۰۶. عبدالوهاب، حسن حسنی، خلاصه تاریخ تونس، دوم، دار الکتب العربیة الشرقیة، بی‌تا، ص ۱۱۸.
۱۰۷. ابن الشماخ، پیشین، ص ۱۰۵.
۱۰۸. معموری، پیشین، ص ۱۲۸.
۱۰۹. ابن ابی‌دینار، پیشین، ص ۱۷۶-۱۷۷؛ عبدالوهاب، خلاصه تاریخ تونس، پیشین، ص ۱۲۳؛ ابن الشماخ، پیشین، ص ۱۲۰.
۱۱۰. همان.
۱۱۱. السراج، پیشین، ج ۲، ص ۱۹۴.
۱۱۲. زركشى، پیشین، ص ۱۳۲؛ سویسی، پیشین، ص ۱۳۶؛ ابن الشماخ، پیشین، ص ۱۹۵؛ السراج، پیشین، ج ۱، ص ۶۰۷.
۱۱۳. زركشى، پیشین، ص ۱۲۵؛ ابن ابی‌دینار، پیشین، ص ۱۷۸؛ ابن الخوجة، پیشین، ص ۲۹۸.
۱۱۴. ابن ابی‌دینار، پیشین، ص ۱۷۸؛ ابن الخوجة، پیشین، ص ۲۹۸؛ السراج، پیشین، ج ۲، ص ۱۹۵-۲۰۰.
۱۱۵. ابن ابی‌دینار، پیشین، ص ۱۷۸.
۱۱۶. ابن الشماخ، پیشین، ص ۱۹۴.
۱۱۷. همان، ص ۱۲۹.
۱۱۸. زركشى، پیشین، ص ۱۱۴.
۱۱۹. تیجانى، ابو محمد عبدالله بن محمد بن احمد، رحلة تیجانى، اول، لیبی، تونس: ۱۹۸۱م،

- ص ۲۱۳.
۱۲۰. دبیرخانه ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی - هنری مساجد، پیشین، ص ۲۲۶.
۱۲۱. متواری سورکی، پروین، خزائن مکتوب «از وقف کتاب تا کتاب‌خانه‌های وقفی»، اول، تهران: پیام رسان، ۱۳۸۴، ص ۵۰۲.
۱۲۲. عبدالوهاب، حسن حسنی، «زیتونه»، مجله زیتونیه، تونس: ۱۹۳۹م، جزء دوم، جلد سوم، عدد ۵۷، ص ۷۴.
۱۲۳. ابن الشماخ، پیشین، ص ۱۱۴.
۱۲۴. تیجانی، پیشین، ص ۲۷۵؛ ابن ابی دینار، پیشین، ص ۱۵۳-۱۵۴.
۱۲۵. تیجانی، پیشین، ص ۲۷۶.
۱۲۶. السباعی، محمد مکی، نقش کتاب‌خانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ترجمه علی شکوئی، اول، تهران: نشر سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۲۵۷.
۱۲۷. متواری سورکی، پیشین، ص ۴۹۷.
۱۲۸. السراج، پیشین، ج ۱، ص ۲۴۸.
۱۲۹. متواری سورکی، پیشین، ص ۴۹۶.
۱۳۰. ابن عامر، تونس عبر التاريخ، پیشین، ص ۲۰۳-۲۰۶.
۱۳۱. زرکلی، خیرالدین، الاعلام، دهم، لبنان، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۹۲م، ج ۸، ص ۱۵۵؛ مونس، پیشین، ج ۲، ص ۴۵۸.
۱۳۲. عدلی، پیشین، ج ۲۱، ص ۷۳۲.
۱۳۳. الدولاتلی، پیشین، ص ۱۴۰.
۱۳۴. السراج، پیشین، ج ۱، ص ۱۸۸.

۱۳۵. همان، ج ۱، ص ۱۸۸.
۱۳۶. همان، ج ۱، ص ۱۹۵.
۱۳۷. همان، ج ۲، ص ۱۶۴.
۱۳۸. در شمال آفریقا رباط به ساختمان‌های کنار راه و به ویژه بیرون از شهر و آبادی اطلاق می‌شود و دارای اتاق‌های متعددی است که گرداگرد حیاطی را فراگرفته، مسافران می‌توانند یک یا چند شب در آن بیاسایند. علاوه بر این، رباط به قلعه‌ای هم که در آن سپاه و تجهیزات برای جنگ آماده و نگهداری می‌شود، گفته می‌شد؛ عدلی، پیشین، ج ۲۱، ص ۷۳۲.
۱۳۹. السراج، پیشین، ج ۲، ص ۱۹۸؛ ابن قنفذ، پیشین، ص ۱۹۶؛ ابن الشماع، پیشین، ص ۱۱۴؛ ابن ابی‌دینار، پیشین، ص ۱۷۶.
۱۴۰. الدولاتلی، پیشین، ص ۴۴.
۱۴۱. محفوظ، پیشین، ج ۵، ص ۱۰.
۱۴۲. تیجانی، پیشین، ص ۲۱۳.
۱۴۳. ابن عامر، تونس عبر التاريخ، پیشین، ص ۲۰۸.
۱۴۴. همان.
۱۴۵. همان.
۱۴۶. همان، ص ۲۰۹.
۱۴۷. همان.
۱۴۸. منابع درباره این شخصیت‌ها و بانیان این زوایا، به جز ذکر نام، توضیحی ذکر نکرده‌اند.